

نقش ذخیره خسارات غیرزندگی بر بهبود چالشهای استراتژیک

خسارتهای بزرگ بیمه های غیرزندگی

بهار علی پناهی^۱

مقدمه

ذخیره دقیق برای سهامداران اهمیت دارد

مهمترین سهامداران شرکتهای بیمه، بیمه گزاران و مالکین یا سهامداران شرکت بیمه هستند. چون بیمه گزاران انتظار دارند که خسارات آنها پرداخت شود، بیمه گران باید ذخیره کافی برای تسویه این پرداختها در نظر بگیرند. بنابراین ذخیره کمتر به نفع بیمه گزاران نیست، زیرا بیمه گران ممکن است سود را بین سهامداران تقسیم کرده باشند و چنانچه مزاد ذخیره ضروری شده و یا خسارات پرداخت نشده باشند، با کمبود سرمایه مواجه شوند. مقامات نظارتی تمایل به آگاهی از روشهای ذخیره گری بیمه گران دارند. با تشویق بیمه گران به نگهداری ذخیره کافی، مقامات نظارتی نه تنها قادر به حمایت از مصرف کنندگان هستند، بلکه مانع ورشکستگی بیمه گران نیز می شوند.

در نظر گرفتن ذخیره کم به نفع بیمه گزاران نمی باشد

از آنجاییکه ذخیره اضافی و یا ذخیره کمتر باعث ناپایداری در سود می شود، دقیق بودن دخیل منجر به کسب سود برای مالکان و سهامداران می شود. اگرچه ذخیره کمتر در کوتاه مدت باعث سود بیشتر می شود، لیکن معمولاً به مرور سود را کاهش میدهد. سودهای ناپایدار که منتج از بازبینی ذخایر هستند باعث افزایش هزینه های سرمایه می شوند. با وجود اینکه منافع مقامات مالیاتی دولت با منافع سهامداران در یک راستا قرار دارد؛ اگرچه سودهای بالاتر مشمول درآمد مالیاتی اضافی می گردد، لیکن بیمه گران معمولاً اجازه دارند که برای کاهش مالیات زیانهایشان را نیز منتقل کنند.

ذخیره گری دقیق از دست رفتن سودها را کاهش می دهد که سهامداران و مقامات مالیاتی را منتفع میسازد.

تسویه یک ادعای فلج پا

مایک سمپل به همراه همسر و فرزندش در حومه شهر زوریخ در یک منزل کوچک دارای باغچه زندگی می کرد. او یک فرد طبیعت دوست بود که از دوچرخه سواری لذت می برد و به دلیل اینکه خانواده دارای اتومبیل نبود از وسایل نقلیه عمومی استفاده میکرد. از نظر سلامتی او در شرایط بسیار خوبی قرار داشت و او و همسرش هر دو فرزند دیگری می خواستند. درآمد مایک به عنوان یک مکانیک الکترونیک و نماینده دفتر اصلی یک شرکت که

در این پرونده فلج پا تسویه خسارت ۶ سال پس از وقوع انجام گرفت.

¹ - کارشناس مدیریت بیمه اتکایی بیمه ملت.

تولید کننده قطعات الکتریکی است، معادل ۸۰،۰۰۰ فرانک سوئیس در سال بود. وی همچنین در کلاسهای صنعتگری پیشرفته ثبت نام کرده بود.

در آوریل سال ۲۰۰۰ مایک در یک تصادف اتومبیل به شدت صدمه دید و در نتیجه از ناحیه پا فلج و دچار ضربه مغزی خفیف شد. پس از گزارش تصادف به شرکت بیمه، ذخیره خسارت در حدود ۲/۵ میلیون فرانک سوئیس در نظر گرفته شد. از آنجاییکه مایک ورزشکار بود، از لحاظ فیزیکی بهبود یافت، اگرچه، باقی عمرش را روی ویلچر گذراند. در زندگی روزمره برای رفع نیازهایش به دیگران وابسته نبود و کار فرمای وی پذیرفت که با شرایط ۵۰٪ دستمزد به استخدام وی ادامه دهد. با پیشرفت وضعیت مایک خسارت در سال ۲۰۰۳ با در نظر گرفتن بازبینی پرونده در صورت تغییرات اساسی در شرایط پزشکی یا حرفه ای وی تخمین زده شد و هزینه خسارت معادل ۲/۸ میلیون فرانک سوئیس برآورد شد.

با گذشت زمان، مشخص شد که عملکرد مایک با انتظارات کارفرمایش مطابقت ندارد. کارفرمای وی به او پیشنهاد آموزش مجدد حرفه ای داد با این هدف که مایک را برای کارهای اداری در نظر بگیرد. مایک بدون خجالت پذیرفت و سعی کرد که در امتحان قبول شود. پس از آموزش او متوجه شد که از کار اداری لذت نمی برد. او کار اصلی خود را از دست داده بود و دچار افسردگی شده بود. با ضعیف شدن عملکرد او کارفرمای وی قرارداد کاری او را فسخ کرد. این مسئله باعث تشدید افسردگی او و ناتوانی او در کسب درآمد شد. ارتباط بین ناتوانی او در کارکردن و تصادف، توسط متخصصین پزشکی بررسی شد. میزان خسارت پرداختی مورد بررسی مجدد قرار گرفت و در نتیجه مجدداً مبلغی معادل ۱/۲ میلیون فرانک سوئیس در سال ۲۰۰۶ (شش سال پس از سانحه) به وی پرداخت شد. تا آن زمان کل هزینه خسارت به ۴ میلیون فرانک سوئیس رسید.

بیشتر ورشکستگی ها به علت کمبود ذخیره پیش می آیند.

باتوجه به مطالعات انجام شده بر روی بیمه اموال و حوادث در امریکا، ذخیره خسارت ناکافی علت اصلی مشکلات مالی در بخش بیمه می باشد. رشد سریع نیز به عنوان دلیل دیگر این امر در نظر گرفته می شود. در سالهای ۲۰۰۲-۱۹۶۹، ۳۷/۲٪ مشکلات مالی به علت کمبود ذخیره خسارت گزارش شده است. اما در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۱ این درصد به ۴۸/۶٪ رسید. این افزایش را می توان به علت رشد میزان خسارات مسئولیت محیطی دانست. یکی از دلایل دیگر، صدور بیمه نامه با ارزش کمتر از واقعی در طی سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ بوده است. مشکل اقتصادی ناشی از کمبود ذخیره خسارت در سال ۲۰۰۲ مطرح شد که آخرین سالی بود که مورد بررسی

کمبود ذخیره خسارت و رشد سریع اصلی ترین علل مشکلات مالی در بخش بیمه در کشور امریکا هستند

و تحلیل قرار گرفته بود. با این حال آخرین تحقیقات نشان داده است که ورشکستگی بین بیمه گران اموال و حوادث از سال ۲۰۰۲ کاهش پیدا کرد و فقط ۴ مورد ورشکستگی در سال ۲۰۰۷ گزارش شد.

همچنین عامل رشد سریع معادل ۱۷/۳٪ از ورشکستگیها در بخش بیمه در فاصله سالهای ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۲ بوده است. برای سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲ این رقم معادل ۱۱/۷٪ بوده است. با توجه به نتایج مطالعات انجام شده، سومین و چهارمین دلیل عمده مشکلات مالی تقصیر مدعی (معادل ۸/۵ درصد در فاصله سالهای ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۲) و زیاد نشان دادن اموال (معادل ۷/۸٪) بوده است.

در مواردی که ورشکستگی اقتصادی در اثر کمبود ذخیره خسارت یا رشد سریع بوجود آمده باشد، قیمت گذاری نامناسب به عنوان کاتالیزور معرفی می شود. بیمه گران حق بیمه هایی جمع آوری کرده اند که برای پوشش هزینه های خسارت، اداری و توزیع کافی نبوده است. این قیمت گذاربهایی نامناسب ممکن است آگاهانه و یا نتیجه تخمین غلط هزینه های خسارات مورد انتظار بوده باشد. اگر ذخایر به کار گرفته نشده باشند، مشکل اقتصادی ممکن است زود تر بروز کند و بیمه گران از پذیرش بیمه نامه ها با ارزش زیر قیمت امتناع نمایند.

دو دسته بندی عمده ذخیره خسارت برای بیمه های غیر زندگی

ذخایر خسارت وجوهی هستند که کنار گذاشته می شوند و در ترازنامه برای خساراتی که هنوز پرداخت نشده اند منعکس می شوند. دارایی هایی که جوابگوی ذخایر خسارت هستند توسط حق بیمه های پرداختی بیمه گزاران تامین می شود. در شرایطی که حق بیمه ها کافی نباشند ما به التفاوت باید از محل نقدینگی سهامداران پوشش داده شود. ، مادامیکه ذخایر آزاد شده به عنوان درآمد محسوب می شود، هزینه های اضافی برای ذخایر باید به عنوان هزینه ثبت شوند. ذخایر خسارات یک شرکت بیمه غیر زندگی اول برای خسارتهای اعلام شده، و دوم برای خسارات رخ داده که هنوز گزارش نشده اند، می باشد.

(۱) خسارات اعلام شده خساراتی هستند که به شرکت بیمه گزارش شده اند. مسئولین خسارت پرونده را بررسی کرده و هزینه تقریبی آن را تخمین می زنند و در دفتر هزینه های شرکت ثبت می کنند و همچنین به نحوه پرداخت خسارت نظارت کرده و از کافی بودن میزان ذخیره اطمینان حاصل می کنند. در صورت لزوم ذخیره ای برای خسارت رخ داده و اعلام نشده نیز در نظر می گیرند.

(۲) نظر به اینکه حادثه و گزارش آن به شرکت بیمه فاصله زمانی وجود دارد، در بحث حسابداری شرکتها، مبالغی برای خساراتی که هنوز گزارش نشده اند در نظر گرفته می شود. در صورتهای مالی، خسارات اعلام نشده اغلب جدا از پیش بینی های خسارات معوق گزارش نمی شوند.

اساس دسته بندی ذخیره خسارات برای بیمه گران غیر زندگی خسارات اعلام شده و خسارات واقع شده لیکن گزارش نشده می باشد.

گزارش نمودن ذخایر خسارات

استانداردهای حسابداری جاری

در بیشتر استانداردهای حسابداری، بیمه گر باید در زمان وقوع خسارت ذخیره ای کنار بگذارد. میزان ذخیره باید برابر با هزینه نهایی پرداخت خسارت باشد که شامل اثر تورم و سایر فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی می باشد. معمولاً تخفیف به خسارات آینده مجاز نمی باشد. این الگو مطابق با اصول عمومی پذیرفته شده در امریکا می باشد و در بین بیشتر کشورهای دیگر نیز بجز استرالیا، کانادا و نیوزلند که تخفیف مجاز است، مشترک است.

میزان ذخایر بر روی هزینه خسارات مورد انتظار نهایی همچنین تورم و سایر مسائل اقتصادی و عوامل اجتماعی منعکس می شود

با توجه به مقررات هیئت مدیره استاندارد حسابداری بین المللی، تخفیف فقط برای رده محدودی از خسارتهای مسئولیت غیر زندگی که در محدوده ای خاص رخ داد است و در بین کشورها متفاوت است مجاز می باشد. این شرایط فقط زمانی کاربرد دارد که الگوی پرداخت خسارات کاملاً قابل پیش بینی باشد. در استانداردهای جاری بین المللی گزارشات مالی، هیچ قانونی در مورد ذخایر وجود ندارد. بنابراین استانداردهای داخلی و یا برای برخی شرکتهای بیمه جهانی، استانداردهای امریکا بکار گرفته می شوند.

استانداردهای بین المللی مالی تخفیف را فقط برای یک دسته محدود از خسارات مسئولیت غیر زندگی مجاز میدانند.

استانداردهای گزارش مالی بین المللی پیشنهادی

استانداردهای بین المللی گزارش مالی برای بیمه تحت بررسی می باشد. هیئت مدیره استاندارد حسابداری بین المللی (IASB) در می ماه سال ۲۰۰۷ پیشنهاد کتبی خود را مربوط به تخفیف خسارات آینده با نرخهای تخفیف جاری بازار و افزودن یک حاشیه برای پذیرفتن ریسک ارائه نمودند. پیشنهاد IASB به نکته اقتصادی تری از حسابداری اشاره دارد: تمامی وجوه در جریان پرداخت شده و یا پیش بینی شده یک قرارداد بیمه در صورت عقد قرارداد، در طول مدت گزارش مشمول تخفیف می شوند. چنانچه سود و زیان بعد از در نظر گرفتن حاشیه ریسک در زمان شروع وجود داشته باشد، در دوره گزارش اولیه شناسایی خواهد شد. دوره های بعدی گزارش در طول مدت قرارداد فقط برای انحراف از آنچه پیش بینی شده بوده و اصلاح کسورات و حاشیه ریسک، محاسبه می شود.

هیئت مدیره استاندارد حسابداری بین المللی اخیراً یک پیشنهاد جدید برای تخفیف خسارات آتی ایجاد نموده است..

مقامات نظارتی ممکن است حسابهای مختلفی را درخواست کنند

اعمال تقریب برای تعیین خسارات پرداخت نشده مجاز می باشد، لیکن دارای اشکالاتی نیز هستند. در فرمول استاندارد پیشنهادی جاری، اختصاصاً حق بیمه ها به عنوان یک سنجش تعهد خطر محسوب میگردد که این امر اشتباه می باشد. برای تعیین میزان خسارات پرداخت نشده، در صورت عدم وجود منابع آماری، بهره گیری از تقریب خسارت مجاز می باشد. با اینحال تجربه نشان میدهد که تقریب خسارت نقطه ضعفهایی دارد، به عنوان مثال

به اندازه کافی کاهش ریسک حاصل از بیمه های اتکائی غیر نسبی را نشان نمی دهد. مدل‌های داخلی که میزانهای دقیق تری را مورد استفاده قرار میدهند مناسب تر بنظر میرسند. در مورد ارزش گذاری بدهیها، مقامات نظارتی استفاده از ارزش گذاری بر اساس بازار را ترجیح میدهند. "تست توانایی مالی سوئیس" - به عنوان نمونه - هنوز به ارزش گذاری تعهدات بر اساس بازار نیاز دارد که بخشی از پیشنهاد استانداردهای جدید است.

تصمیم گیری در مورد ذخایر بر اساس پیش بینی های پرداختهای نهایی خسارت انجام می شود. هر گونه اختلاف بین فرضیات و واقعیت، منجر به بازبینی ذخایر می شود. تغییر در پورتفولیو و صنعت، پیشرفتهای قانونی دور از انتظار، پیشرفت در پزشکی، افزایش امید به زندگی، تورم و مسائل اجتماعی همگی می توانند بر خسارات بلند مدت و در نهایت بر روی ذخایر تاثیر بگذارند. فجایع نیز می توانند باعث بازبینی ذخایر شوند. در مورد یک بیمه نامه منفرد، بازبینی های ذخایر در اثر تخمین اضافی یا کم در مورد عواقب یک جراحات می تواند عملی انتحاری باشد.

تغییرات قانونی، پیشرفتهای پزشکی، افزایش امید به زندگی، تورم و عوامل اجتماعی همگی در ذخیره گیری موثرند.

تغییرات ذخایر در اثر طوفان در فرانسه

طوفان لوتار که در کریسمس سال ۱۹۹۹ در اروپا رخ داد، ۷ میلیارد دلار از خسارات بیمه شده در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی را به خود اختصاص داد. به دلیل اینکه طوفان در پایان سال اتفاق افتاد و خسارات مورد انتظار باید ذخیره می شدند، تغییرات ذخایر در سال فعالیت ۱۹۹۹ بسیار افزایش یافت. بیشتر خسارات در پایان سال ۲۰۰۰ پرداخت شد که این موضوع باعث شد که ذخایر خسارات که در سال ۱۹۹۹ در نظر گرفته شده بودند مصرف شوند. با اینحال در سال ۲۰۰۰ بیمه گران متوجه شدند که ذخایری که برای طوفان لوتار در نظر گرفته شده بود کافی نبوده و در نتیجه ذخایر مورد نظر برای سال قبل افزایش یافت. این یک مورد نادر در بخش بیمه غیر زندگی فرانسه می باشد که ذخایر سالهای پیشین را نیز مصرف کرد.

خسارات ناشی از طوفان لوتار تغییرات ناگهانی در ذخایر خسارات در فرانسه را موجب شد.

اشتباهات ذخایر در نتیجه پیشرفتهای قانونی

تغییرات در محیط اجتماعی و قانون تعیین دقیق خسارات را برای بیمه های مسئولیت بویژه در امریکا و حتی در سایر کشورها دشوار می نماید. در کشور امریکا تغییرات قانونی باعث زیانهای محیطی می گردد که به بیلیونها دلار میرسد. این زیانها در زمان صدور بیمه نامه ها پیش بینی نشده اند و بنابراین منجر به بازبینی ذخایر میشود. تحولات عمده به شرح زیر می باشند:

- کاربرد عطف به ما سبق قانون. این اثر بویژه برای ریسکهای مسئولیت شدت می یابد. زمانیکه قانون عطف به ما سبق به کار گرفته می شود، بیمه گر عملاً با خسارت جدید و تجمع ریسک پرداختها مواجه میشود. با

اعمال عطف به ما سبق قوانین بیمه گران امریکایی را ملزم به افزایش ذخایر نموده است.

توجه به این مسئله که در زمان صدور بیمه نامه مقرراتی وجود نداشته است، پیش بینی چنین حوادثی برای بیمه گر غیر ممکن می باشد. در نتیجه پرداختهای مربوط به قانون عطف به ما سبق توسط هیچ یک از درآمدهای حق بیمه قابل پوشش نیست. در قرارداد اتکائی بند تغییر در قانون، بیمه گر اتکائی را از هر گونه مسئولیت در قبال پرداختهای بیمه گر در نتیجه تغییرات قانونی مصون می نماید.

- گسترش طرفهای مسئول نهایی. با تکیه بر اصل "اشتراک و تعدد" قانون می تواند هر فرد یا شرکتی را مجبور به پرداخت کامل خسارت بدون در نظر گرفتن طرفهای مقصر در یک خسارت خاص بنماید. رویه کاربرد جیبهای گود در موارد مسئولیت محیطی بسیار واضح است اما می تواند به موارد دیگر نیز بسط پیدا کند. از یک طرف این الگوی سخت به صورت غیر مشروط ضمانت می کند که طرف زیان دیده بابت حادثه ای که رخ داده است پوشش داده شود. از طرف دیگر برخی اعتقاد دارند که مفهوم جبران بدون در نظر گرفتن مسئولیت مشترک و متعدد بویژه برای کسانی که به طور عمد در زیان شریک نبوده اند اما به دلیل اینکه از نظر مالی درگیر هستند مسئول باقی می مانند عادلانه نیست. در نتیجه این تحولات توانایی بیمه گر در تحمل ریسک و تعیین میزان آن تضعیف می شود. بنابراین بیمه گر برای تخمین میزان در خطر بودن در مورد یک بیمه نامه و تعیین ذخیره کافی در زمان بروز حادثه برای مشتری، مسئول خواهد بود.

- تقص قانون عدم اطمینان. با توجه به این قانون که اساس تفسیر شرایط بیمه است، یک بیمه گر برای تمام خساراتی که نشان دهنده ماهیت ریسک پذیرفته شده باشد، مسئول است مگر در شرایطی که بیمه نامه چنین حادثه ای را استثنا کرده باشد. با این وجود شرایط بیمه نامه فقط توسط یکی از طرفین قرارداد، بیمه گر، تعیین میگردد. این مورد مشکل ساز است به این علت که تفسیر دادگاه از یک بیمه نامه واحد ممکن است تمام بیمه نامه های مشابه را تحت تاثیر قرار دهد. بیمه گران از تفسیر دادگاه از شرایط بیمه نامه ها در صورتی که پس از گذشت زمان زیادی از پایان یافتن بیمه نامه و در زمانی که دیگر تغییر ممکن نیست رخ دهد و به ضرر آنها باشد بیشتر زیان می بینند. اگر شرایط مربوط به فعالیتهای عمده بیمه بر اساس تصمیمات دادگاه باز نویسی شود اثرات آن میتواند شدید باشد.

- قضاتی که سقف غرامت را در نظر نمیگیرند. تعهد مالی بیمه گر در یک بیمه نامه حدی دارد که به عنوان سقف جبران خسارت را تعریف می شود. اگر این سقف توسط دادگاه در طول مدت دعوا نادیده گرفته شود، بیمه گر می تواند خسارات مازاد بر تخمین را پردازد، زمانیکه حق بیمه ها از ابتدا تعیین شده باشند. علاوه

دادگاه در کشور امریکا میتواند بیمه گران را برای پرداخت کامل خسارت بدون در نظر گرفتن ارتباط مشارکت آنان با زیان مجبور نماید.

تفسیر یک دادگاه در مورد یک بیمه نامه میتواند یک اثر زمانی روی کلیه بیمه نامه های مشابه داشته باشد.

دادگاه ها در امریکا ممکن است داوریهایی بیش از سقف غرامت را مورد تشویق قرار دهند.

بر آن اگر قاضی حکم دهد که سقف تعیین شده جبران خسارت نباید بین طرفین خسارت دیده تقسیم شود اما به هر یک به طور کامل پرداخت شود، مسئولیت مالی بیمه گر تغییر خواهد کرد.

- بیمه مسئولیت به عنوان یک جبران غرامت اجتماعی تلقی می شود. هدف اصلی بیمه مسئولیت- بویژه جهت پوشش طرف زیان دیده در نتیجه اشتباه شخص ثالث - به مرور در حال از بین رفتن است. بیمه مسئولیت بیشتر ماهیت سیستم جبران اجتماعی را در قانون مدنی در نظر می آورد. در بازارهای موجود بیمه های مسئولیت سنتی همچنان غالب هستند. اما با این وجود تحولات جدید حفظ بیمه های مسئولیت سنتی را به خطر انداخته است. این رویه می تواند موجب بروز شکافهایی در سیستم تامین اجتماعی در آینده گردیده و جرقه ای برای توزیع ثروت باشد و بیمه گران خصوصی را در صورت تمایل به ادامه فعالیت وادار به تعریف مجدد بیمه های مسئولیت بنماید.

بیمه مسئولیت در بعضی کشورها بعنوان یک غرامت اجتماعی دیده می شود.

هزینه های بهداشت و افزایش حقوق یک تاثیر عمده دارد.

افزایش هزینه های درمانی، تعمیر و نیروی کار عوامل بوجود آورنده خسارات مسئولیت هستند. این هزینه ها عموماً سریعتر از هزینه های مصرف کننده ها رشد می کند. از آنجاییکه پرداخت خسارات در رشته بیمه های مسئولیت در یک دوره زمانی گسترده می شوند، اختلاف بین قیمتها و پرداختها انباشته شده و تاثیر پیچیده ای دارند که باید در نظر گرفته شود. در مسئولیت اتومبیل به عنوان نمونه میانگین خسارت سریعتر از قیمت مصرف کننده در تمام کشورهای منتخب بجز آلمان رشد کرده است. در بخش مسئولیت تجاری اتومبیل امریکا به عنوان مثال میانگین هزینه برای هر خسارت در حدود ۶۳٪ افزایش یافته در حالیکه تورم هزینه مصرف کننده ۲۵٪ بوده است. در طول دوره ۵ ساله یک نوع از خسارت مسئولیت اتومبیل، خسارات در حدود ۲۰٪ از هزینه مصرف کننده زیاد تر بوده است.

خسارات اغلب سریعتر از هزینه های مصرف کننده افزایش می یابد.

تورم در قیمت تنها دلیل بالا رفتن هزینه های درمان نیست. استفاده زیاد از خدمات پزشکی نیز در این مورد نقش عمده ای دارد. بعلاوه هرگاه تکنیکهای جدید درمانی که باعث افزایش طول عمر شده و یا سلامت را بهبود می بخشد موجود باشد، معمولاً پذیرفته میشوند حتی اگر بسیار گرانتر از سایر تکنیکهایی باشند که کاراتر و ارزاترند. پیشرفت در پزشکی ممکن است منجر به روشهای جدید درمانی شود و به کسانی که قبلاً از نظر جسمی ناتوان بوده اند اجازه دهد که مجدداً کار خود را شروع کنند.

خسارات بعلت استفاده اضافی از خدمات پزشکی و تیز پیشرفتهای دارویی افزایش یافته اند.

ادعاهای مسئولیت با سرعتی مشابه به هزینه های درمان رشد می کند و هر دو سریعتر از درآمد ناخالص سرانه در گذشته رشد داشته اند و به نظر میرسد که این امر در آینده نیز ادامه داشته باشد.

خسارات مسئولیت شامل جبران درآمد از دست رفته نیز می شود که به سرعت در حال رشد است و معمولاً از تورم بالاتر است. این هزینه ها با در نظر گرفتن این حقیقت که مردم به علت تغذیه بهتر و درمانهای پزشکی طول عمر بیشتری پیدا کرده اند افزایش می یابد. بنابر این ارزش کنونی درآمد در طول عمر مورد انتظار به شدت افزایش یافته است.

جلوگیری از ریسک تورم عمومی

خطر تورم عمومی می تواند در فرضیه توسط اوراق شاخص دار کنترل شود. این به معنی سرمایه گذاری اموال بیمه گر در اوراق بهادار در شرایطی است که پرداخت ارزش به قیمت شاخص مرتبط می شود. سهم پورترفوی قابل سرمایه گذاری در اوراق بهادار مرتبط با شاخص بستگی به میزان خسارتی که ممکن است مشمول تورم شود و همچنین ارتباط بین تورم خسارت و تورم عمومی دارد. در عمل مهار تورم دو نقص دارد:

- اگر تورم خسارت و تورم عمومی به یکدیگر بستگی داشته باشند کنترل تورم ممکن نخواهد بود. اگر تورم خسارت ارتباط جزئی با تورم عمومی داشته باشد، کنترل تورم موثر نخواهد بود و بیمه گر با ریسک پایه مواجه خواهد شد. ریسک پایه با اوراقی که به جای تورم عمومی به تورم خسارت مربوط است از بین خواهد رفت. با اینحال چنین سرمایه گذاری هنوز در بازارهای مالی وجود ندارد.
- در بازارهای سرمایه هنوز اوراق بهادار با شاخص تورم به میزان کافی وجود ندارد. ارزش بازاری اوراق بهادار معوقه با شاخص تورم در ۱۱ کشور کمتر از خالص خسارت در بین بیمه گران بخش غیر زندگی بوده است. در شرایطی که بازار اوراق بهادار در امریکا، انگلیس و فرانسه معقولانه پیشرفت کرده است، تعدادی از اوراق بهادار موجود در سایر کشورها نامتراکم است و بازار هنوز بسیار ناپاست. بعلاوه بیمه گران غیر زندگی تنها کسانی نیستند که به دنبال حمایت در مقابل خطر تورم هستند، به عنوان مثال صندوق حقوق بازنشستگی تقاضای بالاتری برای چنین پوششی در قبال تورم دارد.

اثر هزینه های درمان، دستمزد و امید به زندگی در بررسی ذخایر

اشتباه در ذخایر به علت حوادث، تغییرات عطف به ماسبق در قانون مسئولیت، قوانین جدید، تغییرات بازار سهام و یا پیشرفتهای تکنیکی در صنعت و پزشکی اجتناب ناپذیر است. بنابراین بیمه گران باید برای سرمایه گذاری در مورد چنین پیشرفتهایی از سرمایه شان استفاده کنند. با این وجود کنار آمدن با افزایش هزینه های درمان،

مهار تورم از ریسک پایه متاثر میشود و عدم کفایت منبع تورم تعهدات را متصل میکند.

سرمایه یک بیمه گر بایستی برای پوشش خسارات غیر قابل رویت استفاده شود لیکن رویه ها نباید به سوی اصلاحات ذخیره هدایت شود

عنوان مقاله: نقش ذخیره خسارات غیرزندگی بر بهبود چالشهای استراتژیک خسارتهای بزرگ بیمه های غیرزندگی

دستمزد و امید به زندگی - که قابل پیش بینی تر است - از طریق تنظیم شرایط باید ممکن باشد. همچنین باید قادر باشند که تا حدی در مقابل تغییرات تورم کنترل داشته باشند.